

ورود شعر حافظ به ینگی دنیا

در همان زمان که مطبوعات انگلستان فعالانه مشغول نشر کشفیات و مشاهدات سر ویلیام جونز بودند؛ آمریکاییان نیز کوشش میکردند کم و بیش مطالبی در خصوص مشرق زمین منتشر کنند. اما این مقالات از خلافت و اصالت کافی برخوردار نبود و واقع اقتباساتی از همان نوشته‌های عموزاده هایشان در ماوراء بحار بودند. تا قبل از شروع قرن نوزدهم در مطبوعات آمریکا ذکری از ادبیات فارسی یا ستاره‌های درخشانش، بمیان نمی‌آید.

اولین شماره نشریه نیویورک که در سال ۱۷۹۰ منتشر شد (و نام اولین رئیس جمهور و معاونش در سر لوحه مشترکین مجله چشم میخورد) دارای مقاله‌ای تحت عنوان "داستان حافظ، افسانه‌ای از شرق" بود.^۲

این مقاله هیچگونه ارتباطی با شمس‌الدین محمد حافظ، شاعر شهیر ایران نداشت، بلکه مطلبی داستان وار بود که نویسنده انگلوساکسونیش از قصه‌های شبه‌ای عرب گردآوری کرده بود و اینگونه شروع میشد: "در شهر مقدس بنارس، حافظ خردمند میزیست؛ و چون این حافظ تاجر هم بود به اقفا نقاط عالم نیز سفر میکرد."

وجود اینداستان دال بر آگاهی امریکاییان از وجود ادبیات ایران - ولو جزئی - است، که احتمالاً از طرف جونز (که دوست صمیمی بنیامین فرانکلین بود) ایجاد شده بود.

اولین ترجمه غزلی از حافظ در سال ۱۷۹۱ در یکی از نشریه‌های فیلادلفیا (محل تولد فرانکلین) چاپ شد.^۳ این ترجمه هم توسط امریکاییان انجام نشده و قبلاً توسط جان نات John Nott در کتابش منتشر شده بود.

چند سال بعد نشریه دیگری مقاله‌ای تحت عنوان "ادبیات فارسی و حافظ منتشر کرد.^۴

این مقاله درخور اهمیت زیاد است چون اطلاعاتی در خصوص شرح حال شاعر در اختیار خوانندگان میگذارد. برای اولین بار در مورد تفسیر دوگانه اشعار حافظ - تفسیر صوری و تفسیر عرفانی - میپردازد. "غزل" را تعریف میکند، از شهرت حافظ در هندوستان سخن بمیان میآورد. و احساس سیاحان غربی را چون سرهربرت (Sir T. Herbert) و کهمفر (Koempfer) و شاردن (Chardin) و فرانکلین و جونز نسبت بشاعر تشریح میکند.

اما اشعار حافظ را، بشهادت ترجمه‌ها عاری از خلاقیت و ارزش ماوراء الطبیعه میانگارد، بنظر او اشعار حافظ حاوی مطلب دیگری جز عشق و شراب نیستند. تصاویر و ایمازهای او یکنواختند، حتی در ترجمه جونز. موضوعهای بی‌ارزش، غیر قابل درک و نامفهومند. بالاخره مقاله را با نمونه‌ای از غزلیات حافظ (که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است) توأم با ترجمه دیگری از جونز پایان میدهد و

اضافه میکند که این غزل بهیچوجه بیای غزلهای رابرت برنز (Robert Burns) اسکاتلندی نمیرسد، نه از نظر فرم و نه محتوا. اما اعترافات او باینکه " ترجمه معیار خوبی برای ارزش بایی یک اثر نیست " جالب توجه است.

طرز نگارش این مقاله دال بر اینست که نویسنده (که خود را فقط بحرف اول اسمش - B - معرفی میکند) با نوشته‌های هندلی (Hindley) مستشرق معروف آشنائی کامل داشته و مقادیر زیادی از مطالبش را در خصوص زندگی شاعر از او اقتباس کرده است. اما برعکس آن دانشمند، معتقد است که انگلیسی مناسب‌ترین زبان برای ترجمه غزلیات حافظ است و البته چنین عقیده‌ای از انسجام و استحکام کافی برخوردار نیست. زیرنویس‌نویسنده اقرار میکند که برای آشنائی بشعر فارسی " زحمت بیحد کشیده‌ام - تا آنجا که جهالتم از زبان فارسی اجازه میداده است. . . . " این اعتراف تا حدی از ارزش تعداد می‌کاهد، گرچه انتقادش زیاد هم تصنعی بنظر نمیرسد.

بهر حال تا این تاریخ (۱۸۰۵) اثری از فعالیت امریکائیان در جهت یادگیری زبان و ادبیات فارسی بچشم نمی‌خورد. آنچه از اشعار فارسی در سالهای ۱۸۰۸ - ۱۸۰۷ در نشریه Portfolio منتشر شد ترجمه انگلیسی مستقیم از فارسی نبود بلکه ترجمه انگلیسی از فرانسه جونز بود. جونز ده غزل از حافظ را بفرانسه بصورت ضمیمه در کتابش - کتابچه اشعار شرقی - قبل از چاپ کرده بود که بعداً اساس ترجمه‌های انگلیسی متعددی را بی ریزی کرد و مسبب بحث‌های پر حرارتی در مورد فلسفه ترجمه شد. این ترجمه‌های فرانسه بانگلیسی اغلب بطور گمنام منتشر میشدند. ولی رقابت چشمگیری بین مترجمین آنها - هر که بودند - وجود داشت.

ده سال بعد ترجمه‌های مستقیم و اصیل از اشعار فارسی به نشریه Portfolio - ارسال شد که بهترین آنها ترجمه ای دنباله دار تحت عنوان " فارسی حافظ " است که بمدت دو سال (۱۸۱۷ - ۱۸۱۹) منتشر شد. این اشعار بسبب مخصوص جونز ترجمه شده‌اند، اغلب در وصف شراب و عشقند و بر اساس پایه‌ها و بندها و اوزان شعری انگلیسی برگردان شده‌اند و با سایر منتخبات آمیخته‌اند. نه از تفسیری برخوردارند و نه از یادداشت آگاهنده‌ای. لذا عاری از هرگونه تأثیر چشم‌گیری میباشند. اما از نظر تاریخی از این لحاظ حائز اهمیت: امریکائی انقلابی درین دوره هنوز معلومات ادبی خارجی را از انگلیسیها بقرض میگرفت.

البته یکی از معایب این عاریه‌گیری این بود که وقتی مطالب حتی کاملاً واقعی و حقیقی در خصوص حافظ منتشر میشد امریکائیه با ناباوری و سوءظن بآن مهنگر بیستند. مثلاً هنگامی که در سال ۱۸۱۳ توصیف حافظیه بعنوان فیهو خانه‌ای برای معتادین و تفرجگاهی برای مشروب خواران و تفریگاهی برای عامیان بچاپ رسید^۵، (که البته بر اساس مشاهدات و خاطرات جهانگردی اروپائی - و کاملاً واقعی - ستقریر شده بود) برای امریکائی ادیب تکان دهنده بود.

در اواخر ربع اول قرن نوزده فعالیت جدید در زمینه انتقاد حافظ شروع شد. در سال ۱۸۳۹ مقاله‌ای درباره شبهای عرب بچاپ رسید^۶ که مطالبی در باره ادبیات فارسی نیز داشت. نویسنده این مقاله معتقد است:

"بسیار غیر منطقی نیست که تا حدودی نظریات متخصصین السنه شرقی را مورد زیبایی، تعالی و انسجام نوشته‌های عربی، فارسی و هندی با نیاوری تلقی کنیم". سایر قسمت‌های مقاله آشکارا نشان می‌دهد که این طعنه متوجه جونز است. این نظریه البته ناشی از جهالت نویسنده از ادبیات شرق است. زیرا نه تنها شعر فارسی را از عربی متمایز نمی‌سازد بلکه سعدی را نیز یک حماسه سرامعرفی می‌کند.

سال بعد سال پربرکت‌تری بود و ترجمه فرانسوی گلستان سعدی بررسی ۳۲ صفحه‌ای دیگری را در همان مجلد ایجاد کرد^۷. این بررسی گرچه بعضی از اظهارات نویسنده قبلی را رد کرد ولی تعصبات شخصی دیگری را بتقریر کشید. بنظر این دانشجوی ادبیات شرق ادبیات فارسی در امریکا "هنوز متداول نشده است". زیرا به ترجمه‌هایی که فقط "گل و بلبل و حرم و پری را مخلوط میکند" بغلط نام "ادبیات" می‌گذارند. این نویسنده کلاً ادبیات مشرق زمین را بی‌اهمیت می‌پندارد و معتقد است که اصولاً قبل از اسلام ادبیاتی در ایران وجود نداشت و ادبیات صهیج ایرانی همگی "مدرن" هست.

گرچه بنظر میرسد که اظهارات فوق ایرادی نایجاب به طرز ترجمه کردن باشد اما انتقادی که نامبرده از جرح و تعدیل ادبیات شرق توسط شعرای رمانتیک می‌کند بجاست: منصفانه بر لرد باپرون و مور (Moore) خرده‌گیری می‌کند. ولی انتقاد از جونز از جنبه انصافی برخوردار نیست. این منتقد بعلمت پنجاه سال سابقه مطالعه در زبانشناسی فردی لایق و شایسته است اما باندازه جونز همفکری لازم و ادب پروری کافی از خود نشان نمی‌دهد. لذا حتی عالیترین ستایش حافظ از قلم او از ارزش کمی برخوردار است. اما بد نیست بدانیم که در همین مقاله این نویسنده شاعر ایرانی را با آناکریون^۸ یونانی مقایسه می‌کند و مقامی والاتر با او می‌دهد: "بر این ادعا شکی نیست که آناکریون از هر نقطه نظر کیفی مادون حافظ است."

قسمت دوم این مقاله بی‌حجت در مورد سعدی اختصاص داده شده است و بیشتر اطلاعاتی در زمینه تاریخ ترجمه و چاپ کتب این شاعر بنام ارائه می‌دهد.

از این دو قطعه انتقادی که بگذریم به سلسله مقالاتی تحت عنوان "مطالعات شرقی" میرسیم. اولین مقاله این دوره درباره حافظ نگاشته شده^۹، اما با ستایش از جونز آغاز میشود. جونز بعقیده^{۱۰} H. E. H. کاملاً این شهامت را داشت که "به ملل مسیحی بیاموزد که نیروی عقل و تخیل فقط منحصر بخودشان نیست، که در زیر آسمان درخشان ایران تفکر بهمان اندازه عمیق و تخیل بهمان اندازه پرشور است که در آب و هوای سرد و مه‌آلود انگلستان". قبل از جونز، نویسنده مقاله ادامه می‌دهد: "افکار عمیق و احساس ظریف یک مسلمان راهمه به یاد تمسخر می‌گرفتند که خود تعصبی بی‌جا و از آثار تخریبی جنگ‌های صلیبی است. تعصبی را که فقط فکری مانند جونز، غنی از دانش و تخیل و ذوق، میتواند از هم بپاشد." کتاب مهم او^{۱۱} و ترجمه‌های زیبایش از اشعار لطیف مشرق زمین "تغییری شدید در عقاید دانشمندان در خصوص نوشته‌های شرقی بوجود آورد... و تأثیری عمیق بر ادبیات انگلیس بجای گذاشت."

نویسنده در نهایت خوش بینی اظهار میدارد: "شاید تعداد خیلی معدودی وجود دارند که نشنیده باشند که فردوسی اولین شاعر حماسه سرای شرق است، سعدی بزرگترین شاعرش در مطالب اخلاقی و حافظ شیرین سخن‌ترین غزلسرایش ..."

توجه نویسنده سپس برحافظ متمرکز میشود. درباره طبیعت و موضوع اشعارش سخن بمیان میآورد، تفسیر دوگانه آنها را مورد بحث قرار میدهد و حتی اختلاف عقیده بر سر تدفینش، اهمیت تفال را که اکنون سنتی بشمار میآید و تقرب روحانی او را که براساس "تفسیر مجازی" اشعارش صورت گرفته - تا آن حد که اشعار توصیفی او (در خصوص شراب و عشق) تبدیل بسرودهای روحانی شده است - بررسی میکند. این موضوع به نویسنده فرصتی میدهد که در خصوص صوفی و صوفی‌گری قلمفرسائی کند و ریشه لغت را در *Sophi* یونانی بنماید و این فلسفه را پیرو فلسفه قدیم یونان تلقی کند و حافظ را از پیروان آن در آورد و بالاخره درین مقاله نیز حافظ آناکریون ایران لقب میگیرد و ترجمه چند غزلش ارائه میشود.

مقاله به این باور پایان میدهد که سراینده شعر شرقی میتواند زبان انگلیسی را با تشبیه و استعاره و احساس پر شور غنی کند بشرط اینکه مترجم خود شاعر باشد. نویسنده امیدوار است *Moore* این مهم را (ترجمه) بعهده گیرد.

بد نیست بنقل قطعه‌ای ازین انتقاد پرداخته شود:

"هیچ نوع محدودیت زمانی و مکانی در اشعار او (حافظ) بچشم نمیخورد. این اشعار از احساسات و عواطفی پرشور تغذیه میشوند. از نوعی زیبایی خیره‌کننده برخوردارند و مکنونات قلبی همه انسانها را در تمام دورانها و در تمام نقاط منعکس میسازد."

مقاله نویسنده در نشریات مختلف درباره ادبیات ایران تا اواخر قرن ۱۹ ادامه یافت. یکی ازین مقالات که توسط ادوارد استراچی در سال ۱۸۹۳ تحت عنوان "شعر فارسی" انتشار یافت شایان توجه است!^۱ درین مقاله ابتدا به تعریف "دیوان" پرداخته میشود و چگونگی ترتیب اشعار آن. سپس نقدی بر آن اشعار ارائه میشود که اطلاعات جدیدی بر نقدهای قبلی نمیافزاید، جز اینکه ایندفعه شاعر ایرانی با *Milton* مقایسه میشود و پیروزی او در موزون کردن و سازگار نمودن زندگی به *Carlyle*. اما نویسنده مقاله تأسف میخورد که خواننده این چنین برداشتی را با خواندن ترجمه‌های اشعارش نخواهد داشت. ترجمه‌های *Roviski* و *Bicknell* (و *Clarke*) هیچکدام حق مطلب را ادا نمیکنند "نویسنده" مقاله آنگاه به بحث در مورد درویش میپردازد. درویش بتعبیر او برابر است با تارک دنیای مسیحی. بنظر این نویسنده حملات بی در پی عربها و تاتارها دو شق زندگی برای ایرانیان بیشتر باقی نگذاشت. افرادی چون سعدی معلمی شاهان و سیاستمداران را برگزیدند و سایر وطن پرستان آنرا گرفتند و درویش شدند و این درویشان - که نویسنده بعداً آنها را "صوفی" مینامد - از احترام قابلی برخوردار بودند، حتی توسط گستاخ‌ترین سلاطین!

حواشی مقاله را در صفحه بعد بخوانید.

- ۱- سر ویلیام جونز (Sir William Jones) مستشرق مشهور انگلیسی (۱۷۹۴ - ۱۷۴۶) از سال ۱۷۸۳ تا زمان مرگ فاضی دیوانعالی کلکته بود. السنه شرقی را بخوبی میدانست و اثری در خصوص ادبیات مشرق زمین تحت عنوان : Poeseos siaticae Commentariorum Libri Sex در سال ۱۷۷۴ منتشر کرد .
- گرامر فارسی او در سال ۱۷۷۱ و ترجمه عربی " معلقات " او در سال ۱۷۸۳ از چاپ بیرون آمد . استاد سانسکریت بود و یکی از پیشروان علم زبانشناسی . کلبه آثار او توسط لرد تین موث (Lord Teignmouth) منتشر شده است .
2. "The Story of Hafez, an Eastern Tale," New York Magazine or Literary Repository, I (1790), 298.
 3. "Ode Translated from the Persian of Hafiz," The American Museum or Universal Magazine, XI (1792), Appendix 1, 30.
 4. "On Persian Poetry and Hafiz," Literary Magazine and American Register, III (June 1805), 419 - 423.
 5. "Description of the Tomb of Hafiz, the Persian Poet, near Shiraz," The Analectic Magazine, I (Jan.-June 1813), 403.
 6. American Quarterly Review, VI (Dec. 1829), 283-303.
 7. "Gulistani Cheikh Moslih-eddin Sadi Chirazi-Le Parterre de Fleurs du Cheikh Moslih-eddin Sadi de Chiraz. Edition Autographique, publiée par Mr. N. Semelet. Paris: 1828," American Quarterly Review, VIII (Sept. 1830), 1-32.
- ۸ . Anacreon شاعر شهیر یونانی در قرن ۶ قبل از میلاد در یونان (در شهر Teos واقع در Ionia) میزیست . اشعار عنائی او بالاخص آنانکه در وصف عشق و شراب سروده شده اند از شهرت خاصی (در ادبیات غرب) برخوردارند . روایت براینست که با هسته انگوری خفه شد .
9. M. E. H. "Oriental Readings, No.1. Hafiz," American Monthly Magazine, New Series, I (March 1836), 226-38.
- ۱۰ . منظور نویسنده کتاب جونز تحت عنوان Poeseos asiaticae commentariorum است که در سال ۱۷۶۹ هنگامی که جونز بیش از ۲۳ سال نداشت منتشر شد .
11. Edward Strachey, "Persian Poetry," Atlantic Monthly, LXXI (april 1893), 322-333.

به نایب

تلفن ۶۸۰۳۹۸ - خیابان مصدق - بالاتر از میدان ونک
آمادگی قبول هر نوع کار (کتاب - نامه - مجله) دارد

